



## کشاورزی و امنیت غذایی

"استقلال کشور از اهداف محوری انقلاب اسلامی است. دستیابی به این مهم بدون توجه به تأمین مواد غذایی امری محال است و با عنایت به اینکه بخش کشاورزی و منابع طبیعی تأمین‌کننده مواد غذایی کشور است، لذا توجه به این بخش در حقیقت استقلال، امنیت و عزت سیاسی کشور را تضمین می‌کند."

بخشی از برنامه ارائه‌شده وزیر جهاد کشاورزی آقای مهندس حجّتی به مجلس شورای اسلامی

گردآوری و تدوین

**علی شهنوازی**

عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی  
و منابع طبیعی استان آذربایجان شرقی

مرداد 1392

اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

## فهرست مطالب

صفحه	عناوین
4	پیشگفتار
7	مقدمه
9	تعاریف و مؤلفه‌ها
10	امنیت غذایی
11	واردات بخش کشاورزی و امنیت غذایی
12	مدیریت امنیت غذایی در چند کشور منتخب
15	امنیت غذایی در جمهوری اسلامی ایران
15	ضریب خودکفایی کالاهای اساسی در جمهوری اسلامی ایران
18	تراز تجاری کل محصولات کشاورزی کشور
18	آمار و ارقام واردات محصولات کشاورزی کشور
25	راهکارهای افزایش امنیت غذایی در دهه 1390 و دوران اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها
26	سیاست قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی
27	سیاست واردات محصولات کشاورزی
35	کلام آخر
36	سپاسگزاری

پسروی دریاچه ارومیه به مرحله بحرانی رسیده و تلاش برای انتقال آب از رودخانه ارس به موضوع نزاع نمایندگان استان‌های اردبیل و آذربایجان غربی تبدیل شده است. چند سالی است آفت مینوز بلای جان گوجه‌فرنگی کاران استان شده و اخیراً کرم خراط به مجموعه آفات و بیماری‌های استان اضافه گردیده و دغدغه دیگری به دغدغه‌های دلسوزان بخش کشاورزی افزوده است. سال‌هاست سن طغیان نموده و بخشی از محصول باارزش گندم را به یغما می‌برد. مبارزه منطقه‌ای با آن به دلیل کمبود آب در مزارع دیم استان به کندی انجام می‌شود. گفته می‌شود کاهش وسعت مراتع باعث خشم سن شده است. سطح آب‌های زیرزمینی به شدت کاهش یافته و مدیریت چاه‌های غیرمجاز از دست متولیان امر خارج گردیده است. پساب‌ها، بهداشت مواد غذایی را به خطر انداخته و مسوولین تقصیر را به عهده یکدیگر می‌اندازند. شاید اگر گرمای هوا ادامه یابد، وبا مجدداً به سراغمان بیاید. کشاورزی در رقابتی نابرابر، اراضی خود را به کاربری‌های دیگر واگذار می‌کند. مدیریت امور اراضی در چالشی میان انتخاب بد و بدتر قرار گرفته است. همچنان خبرهای ناخوشایندی از تداوم خشکسالی به گوش می‌رسد. نرخ ارز افزایش یافته و بازارهای خارجی برای عرضه محصولات وطنی جذاب‌تر شده است. صادرات غیرنفتی به زیان مصرف‌کنندگان ایرانی در حال افزایش می‌باشد. سفره مردم در حال کوچک شدن بوده ولی ناآگاهان اقتصادی دم از توسعه صادرات غیرنفتی می‌زنند و دولت در نتیجه فشار بازارهای جهانی به افزایش قیمت تضمینی گندم تن داده است. این یعنی قیمت نان و سایر فرآورده‌های گندم آماده جهش قیمتی هستند. قیمت شیر پاکتی نیز از 11000 به 12500 ریال افزایش یافته است.

در حوزه کشاورزی مسوولین بیکار نمی‌نشیند به شدت راه‌های استفاده بهینه از منابع و حفظ و افزایش محصولات کشاورزی را پیگیری می‌کنند. آبیاری تحت فشار را با حمایت‌های مالی و فنی تشویق می‌کنند. زراعت متراکم را در گلخانه‌ها، نوغانداری‌ها و مزارع پرورش ماهی توسعه

نگارنده بازدید از پایگاه‌های اینترنتی  
مربوط به بخش کشاورزی از جمله  
[www.eaj.ir](http://www.eaj.ir) و [www.azaran.areo.ir](http://www.azaran.areo.ir)  
را به شما توصیه می‌کند.

می‌دهند. نیم‌نگاهی به عرصه‌های فراموش‌شدهٔ پرورش اسب و پرندگان  
زینتی می‌اندازند. کودهای زیستی را جایگزین کودهای شیمیایی می-  
کنند. برنامه‌های آموزشی تهیه و سهمی از برنامه‌های شبکهٔ استانی  
سهند را به‌خود اختصاص می‌دهند. بازوی تحقیقات به تولید و عرضهٔ  
دانش‌های جدید در بخش کشاورزی استان پرداخته و نهاد آموزش و  
ترویج به انتقال مطالب می‌پردازد. همه تلاش می‌کنند که یک احساس  
مشترک ایجاد گردد و آن این‌که امنیت غذاییمان به رفتار اقتصادی  
خودمان مربوط بوده و می‌توانیم با مدیریت بهتر و استفاده از تجربیات  
موفق همدیگر، هزینه‌های زندگی شهرنشینی را در قرن 21 کاهش  
دهیم.

امنیت غذایی مفهومی بسیار قدیمی است و در قرآن نیز به آن بسیار  
توجه شده است، در قرآن انسان‌ها همواره تشویق به اطعام دادن شده و  
گاهاً از اطعام فقیران به‌عنوان کفاره اعمال استفاده شده است. همواره  
تمایل به این بوده که توزیعی مجدد در درآمدها و منابع تولید اتفاق  
بیافتد. در بسیاری از آیات قرآن مفاهیم اقتصادی موج می‌زند. شاید  
استباط این مفاهیم نیازمند کسب دانش اقتصاد باشد. در اقتصاد ما سود  
و زیان طرفین را جمع می‌زنیم چنانچه خروجی مثبت باشد عمل مورد  
بحث دارای توجیه اقتصادی است در غیر اینصورت منطق اقتصاد آن را  
قبول نمی‌کند. تفاوتی ظریف میان تحلیل‌های مالی با اقتصادی وجود  
دارد. در تحلیل مالی صرفاً سود و زیان شخصی مطرح است ولی در  
تحلیل اقتصادی منافع و هزینه‌های جامعه بیشتر مدنظر خواهند بود.  
حساسیت افراد نسبت به سطوح مختلف تصمیم‌گیری یکسان نمی‌باشد.  
به آن اندازه‌ای که تک تک افراد به تحلیل‌های مالی اهمیت می‌دهند  
به‌همان اندازه به تحلیل‌های اقتصادی توجه نمی‌کنند. شاید با چند  
مثال موضوع را بتوان بیشتر ملموس نمود. شما مدیریت افراد در مورد  
نظافت را بررسی کنید یا نگاهی به وضعیت تولید فضای سبز در منازل  
ویلائی با آپارتمان‌ها بیافکنید. چه تفاوت‌هایی مشاهده می‌کنید؟ آیا  
درصد توجه افراد در این سطوح یکسان است؟ به اعتقاد من در  
میانگین، افراد توجه بیشتری به چیزهایی می‌کنند که به سود و ضرر

خودشان بستگی داشته باشد. در مرحله بعد به امور عمومی رسیدگی می‌کنند. این ویژگی انسان است و شاید به دوران غارنشینی او برمی‌گردد. ولی اطلاع از این مسأله بیانگر آن می‌باشد که حجم زیادی از ارزش‌ها به دلیل عدم توجه به نفع عموم از دست می‌رود. شدت این خسارت در طول زمان و در بین نسل‌های مختلف بیشتر است. جوامع برای رفع این مشکل به تأسیس نهادهایی چون شهرداری، فرمانداری، دولت و مجلس اقدام نموده‌اند. وظیفه این نهادها تأمین کالاها و خدمات عمومی است. یکی از این خدمات عمومی به موضوع تغذیه افراد جامعه برمی‌گردد که در ادبیات موضوع از آن به عنوان "امنیت غذایی" نام برده می‌شود. اخیراً آقای حسن روحانی رئیس جمهور محترم گفته قدرت **ملّی را باید افزایش دهیم**. مطمئناً یکی از مؤلفه‌های قدرت ملّی بحث امنیت غذایی می‌باشد. چنانچه علاقه‌مند باشیم که کشورهای دیگر به دلیل افزایش قیمت مرغ، سربه‌سرمان نگذارند باید به مدیریت تولید و مصرف ملّی بیشتر اهمیت داده و راه‌کارهایی که می‌تواند به این موضوع یاری رساند را شناسایی و اجرا کنیم. در راستای این مهم و بر اساس سفارش مرکز آموزش جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی جزوه حاضر تهیه شده است. مطالب در چند قسمت که در برگیرنده تعاریف، وضعیت امنیت غذایی در جهان، ایران و سایر مطالب است، ارائه خواهند شد. مطمئناً امنیت غذایی صرفاً موضوعی نیست که در چارچوب اقتصاد، قابل بحث باشد و علوم دیگر نیز مباحثی را در این باره مطرح می‌کنند. اما رویکرد در اینجا اقتصادی است. امید است با مطالعه این جزوه بتوانیم امنیت غذایی را تعریف و عناصر آن را شناسایی کنیم و خلاصه‌ای از وضعیت حال و آینده غذا در ذهنمان داشته باشیم، به طوری که با استفاده از آنها در محیط‌های کسب و کار در پی یافتن راه‌کارهایی برای بهبود امنیت غذایی جامعه باشیم و فراموش نکنیم که "قونشویا اومید اولان، شامسیز قالار".

قونشویا اومید اولان، شامسیز قالار  
ضرب‌المثلی آذربایجانی است و می‌گوید هرکس به امید همسایه باشد بدون شام خواهد بود.

لطفاً پیشنهادهای و انتقادهای خود را مستقیماً یا با آدرس ایمیل [shahnaziali@yahoo.com](mailto:shahnaziali@yahoo.com) منتقل نمایید.

## مقدمه

تغییرات در قیمت‌های مواد غذایی آن چیزی است که امروزه بیشتر هر چیز دیگری احساس می‌گردد. این افزایش قیمتی در سطح جهانی نیز از سال 2008 بعد از یک روند کاهش در قیمت مجدد آغاز گردیده و موجی از نگرانی را در سطوح مختلف مدیریتی ایجاد کرده است. البته تقارن این افزایش جهانی با اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و تعدیل نرخ ارز منجر شده که قیمت‌های داخلی با سرعت و شتاب بیشتری افزایش یابند. در آخرین یافته‌های آماری، تورم نقطه به نقطه 42 و تورم سالانه 31 درصد گزارش شده است. این تغییر قیمت‌ها باعث تغییر در توزیع درآمدها و در نتیجه اندازه سفره گروه‌های مختلف درآمدی گردیده است. معمولاً میان تولید تا سفره و حتی بعد از آن تعدادی مفهوم وجود دارد که در نظر گرفتن آنها باعث درک بهتر پدیده‌های اقتصادی و در نتیجه سوگیری بهتر در مواجهه با آنها توسط افراد جامعه می‌گردد. این مفاهیم عبارت از عوامل تولید، تولید، عرضه، غذا، تقاضا، مصرف، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه انسانی می‌باشند. همواره شکافی میان حجم تولید با حجم عرضه و میزان غذای در دسترس وجود داشته و تنها بخشی از محصولاتی که در مزرعه تولید می‌گردند به‌عنوان غذا قابلیت استفاده پیدا می‌کنند و بخش عمده‌ای از آن در مسیر مزرعه تا سفره و حتی بعد از آن به‌صورت ضایعات از دست می‌رود. از طرف دیگر توزیع زمانی، مکانی و اشکال محصول تولیدی در مزرعه بسیار متفاوت از آن چیزی است که در نهایت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در گذشته بازارهای اقتصادی تا به این اندازه توسعه یافته نبوده و میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان شکاف چندانی وجود نداشت و هر کس آن چیزی را که تولید می‌کرد استفاده می‌نمود یا در سطح کوچک به تبادل می‌پرداخت. با تخصصی شدن کارها و بازارها، فاصله میان عناصر بازار گسترش یافت. این موضوع باعث شد تا نهادهایی در سطوح مختلف تشکیل شوند تا به مدیریت بهتر ارتباط میان بازارها در طول زمان، مکان و نسل‌ها پردازند. این گونه امور که افراد به تنهایی قادر به اجرای آن نمی‌باشند و نیازمند هماهنگی در سطح وسیع هستند تحت

عنوان "کالاها و خدمات عمومی" شناخته می‌شوند. یکی از این خدمات عمومی که دولت‌ها به‌عنوان نماینده بخش عمومی ارائه می‌کنند، تضمین تولید، عرضه و دسترسی مردم به غذا در طول زمان و مکان و به شکل‌های قابل استفاده می‌باشد. چنانچه این تعریف را به‌صورت ناقص، تعریفی از امنیت غذایی در نظر بگیریم در آن‌صورت ضروری خواهد بود به این نکته توجه کنیم که در بحث امنیت غذایی، علاقه بر این است که نیمه خالی لیوان در نظر گرفته شود. به‌عبارت دیگر تعداد افرادی از جامعه که دسترسی کافی، طبق معیارهای موجود به غذا ندارند، دارای اهمیت خواهد بود. موضوع غذا در عصر حاضر موضوعی منطقه‌ای نبوده بلکه مسأله‌ای بین‌المللی می‌باشد؛ فراموش نمی‌کنیم که در حال حاضر خروج گندم از مرزهای کشور، دولت را مجبور به افزایش قیمت خرید گندم نموده است که در ادامه امکان افزایش قیمت نان و فرآورده‌های آن را محتمل می‌نماید. همچنین به‌یاد می‌آوریم که چگونه خشکسالی سال‌های گذشته در روسیه، قیمت جهانی گندم را افزایش و هزینه‌های واردات ایران را متأثر نمود. خلاصه کلام اینکه امنیت غذایی، بحثی فرامنطقه‌ای است و به‌همین خاطر می‌باشد که این موضوع در مباحث سازمان ملل متحد، گفتگوهای هشت کشور صنعتی، مجمع جهانی اقتصاد و سایر نهادهای بین‌المللی مطرح می‌شود. همه کشورهای باید در راستاهای تأمین امنیت غذایی و حذف سوءتغذیه تلاش نمایند. بدیهی است که بیشترین فشار ناشی از کوتاهی در این زمینه به کشورهای وارد خواهد شد که برنامه‌ای منطقی و هدفمند در خصوص تأمین امنیت غذایی نداشته باشند. یکی از حلقه‌های این زنجیره تأمین، نیروی انسانی می‌باشد و به‌نظر می‌رسد افزایش آگاهی عمومی در این خصوص می‌تواند به اجرای بهتر سیاست‌های مربوط به امنیت غذایی یاری رساند. موضوعی که در این مجال به آن پرداخته می‌شود.



## تعاریف و مؤلفه‌ها<sup>۱</sup>

تأمین امنیت ملی، در زمره اصلی‌ترین اهداف کلان حاکمیت‌های سیاسی محسوب می‌شود. امنیت ملی شامل قلمروهای مختلفی از جمله امنیت غذایی است. امروزه ارتقاء ضریب امنیت غذایی یکی از خواسته‌های اصلی نخبگان سیاسی کشورهای جهان می‌باشد و حتی این امر در کشورهای صنعتی از حساسیت فراوانی برخوردار است.

در ایران نیز که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی همواره به مقوله خودکفایی در محصولات کشاورزی تأکید می‌شده و آن را در قانون‌های برنامه‌های توسعه مدنظر قرار داده، به امنیت غذایی توجه فراوانی داشته و خواهان افزایش ضریب آن بوده است؛ با این حال و به‌رغم تأکیدهای مختلف و حساسیت‌های ویژه برای نیل به آن، در سال‌های اخیر شاهد کاهش ضریب امنیت غذایی بوده‌ایم.

سؤال اصلی این است که: چرا در سال‌های اخیر ضریب امنیت غذایی کاهش یافته و چشم‌انداز سال‌های آتی چگونه می‌باشد؟ برای پاسخ به این سؤال، فرضیه زیر تنظیم گردیده است: فقدان جامع‌نگری نسبت به رفع موانع انگیزشی تولیدکنندگان و سیاست‌های نادرست تعرفه‌ای و همچنین برخورداری از درآمدهای هنگفت ارزی، زمینه افزایش واردات نهاده‌ها و محصولات و کالاهای کشاورزی را فراهم ساخته و منجر به کاهش ضریب خودکفایی و امنیت غذایی در کشور گردیده است.

برای آزمون فرضیه، ابتدا مروری به تعاریف و تشریح شاخص‌های امنیت غذایی خواهد شد و سپس به رویکرد شماری از کشورها به موضوع امنیت غذایی اشاره و در پی آن به وضعیت کنونی امنیت غذایی در ایران و همچنین ریشه‌یابی چالش‌های مربوطه پرداخته می‌شود. در پایان نیز راهکارهایی برای افزایش ضریب امنیت غذایی ارائه خواهد شد.

---

<sup>۱</sup> مطالب بر اساس مقاله "چشم‌انداز امنیت غذایی در جمهوری اسلامی" که توسط دکتر حسین قریب در سال ۱۳۹۱ در مجله راهبرد چاپ گردیده، تهیه شده است.

## امنیت غذایی

امنیت غذایی یکی از وجوه مهم امنیت ملی است، بدین معنا که عرضه یک سطح بهینه امنیت ملی، مستلزم تدارک سطح بهینه امنیت غذایی می‌باشد. تاریخ روابط بین کشورها نشان می‌دهد که کشورهای قدرتمند در بیشتر موارد از سلاح مواد غذایی به‌مثابه حربه‌ای سیاسی و برای ایجاد فشار هرچه بیشتر علیه کشورهای دیگر استفاده می‌کنند.

امنیت غذایی دارای تعاریف مختلفی است که بررسی تاریخی آنها روند تکامل نگرش جهانی را نسبت به اهمیت آن نمایان می‌سازد. در سال 1975 سازمان ملل متحد امنیت غذایی را چنین تعریف کرد: امنیت غذایی عبارت است از عرضه مستمر کالاهای غذایی اصلی در سطح جهانی به‌منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خنثی کردن آثار نامطلوب نوسانات تولید و قیمت غذا.

در سال 1984، سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) این تعریف را پیشنهاد کرد: امنیت غذایی یعنی اطمینان از اینکه همه مردم در همه اوقات به غذاهای اصلی مورد نیاز خویش دسترسی فیزیکی و اقتصادی دارند. همچنین بانک جهانی در سال 1986 امنیت غذایی را اینگونه تعریف کرد: امنیت غذایی عبارت از دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام اوقات به‌منظور یک زندگی سالم و فعال، است.

اجلاس جهانی غذا نیز در سال 1996 آخرین تعریف امنیت غذایی را به شرح زیر اعلام نمود:

امنیت غذایی آنگاه وجود دارد که همه مردم در تمامی ایام به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته و غذای در دسترس نیز نیازهای یک رژیم تغذیه‌ای سازگار با ترجیحات آنان را برای یک زندگی فعال و سالم فراهم آورد.

بر اساس دو تعریف اخیر، مفاهیم اصلی امنیت غذایی را می‌توان در غذای کافی، دسترسی، زمان، زندگی سالم و فعال خلاصه نمود. بدین معنا که تحقق امنیت غذایی و کیفیت و ضریب آن، منوط به کیفیت تحقق مفاهیم مزبور می‌باشد. همچنین باید گفت تأمین امنیت غذایی به مشارکت کلیه بخش‌های اقتصادی-اجتماعی بستگی دارد، در عین حال بخش کشاورزی با افزایش و بهبود کیفیت تولیدات مواد غذایی، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای را در تحقق امنیت غذایی عهده‌دار می‌باشد.

برای ارزیابی وضعیت امنیت غذایی، شاخص‌های مختلفی وجود دارد. اصلی‌ترین شاخص‌ها را می‌توان در نسبت واردات به تقاضای کل و همچنین نسبت تولید داخلی بخش کشاورزی به تقاضای کل جامعه خلاصه کرد. بدین معنی که با افزایش واردات ضریب امنیت غذایی کاهش و با افزایش تولید داخلی، ضریب امنیت غذایی افزایش خواهد یافت. واردات در بخش کشاورزی شامل نهاده‌ها و همچنین محصولات و کالاهای آماده مصرف می‌باشد که در ادامه تشریح می‌شوند:

## واردات بخش کشاورزی و امنیت غذایی

### الف) واردات نهاده‌ها

واردات نهاده‌ها، یکی از اجزاء واردات بخش کشاورزی است که دارای رویکردهای مختلفی می‌باشند. واردات نهاده‌ها از یکسو برای تولید محصول و کالا برای مصرف در داخل است و از سوی دیگر می‌تواند در راستای تولید محصول برای صادرات صورت پذیرد. بنابراین واردات نهاده‌ها لزوماً به کاهش ضریب امنیت غذایی نمی‌انجامد. اگر واردات نهاده‌ها به افزایش اشتغال و رونق فضای کسب و کار، توأم با افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی و در نهایت افزایش رشد تولید ناخالص داخلی بیانجامد، قابل توجیه و حمایت است و هر گاه واردات نهاده‌ها به

ارزش افزوده بیشتر منجر نگردد، موجب کاهش ضریب امنیت غذایی خواهد شد و باید مورد تجدید نظر قرار گیرد.

## ب) واردات کالا و محصولات کشاورزی

واردات کالاها و محصولات کشاورزی از دیگر اجزاء واردات است که همواره به کاهش ضریب امنیت غذایی می‌انجامد. هرگاه کشوری دارای زمینه‌های تولید داخلی محصولات و کالاهای وارداتی باشد، ولی به سبب عدم حمایت‌های لازم نتواند از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های ملی بهره‌برداری لازم را به‌عمل آورد، ضریب امنیت ملی دارای وضعیت نگران‌کننده‌تری خواهد بود؛ چراکه تولید داخلی برطرف‌کننده نیازهای وارداتی است و حال آنکه حجم واقعی واردات نیز به میزان ارز موجود و قیمت‌های جهانی وابسته است. از این رو با در نظر گرفتن موارد فوق، نمی‌توان به واردات به‌عنوان راه‌حلی مناسب در امنیت غذایی نگاه کرد، بلکه باید به درجه خودکفایی بالا و وابستگی کمتر به واردات تأکید نمود.

## مدیریت امنیت غذایی در چند کشور منتخب

به‌جهت آشنایی با اهمیت امنیت غذایی در کشورهای جهان به دیدگاه برخی از کشورهای صنعتی و چند کشور که مزیت‌های طبیعی نیز نداشته‌اند؛ ولی تماماً نسبت به تولیدات کشاورزی و موضوع امنیت غذایی توجه دارند، اشاره می‌شود.

کشورهای عضو اتحادیه اروپایی که دارای صنایع پیشرو و مدرن هستند، اهمیت فراوانی را نسبت به امنیت غذایی خود قائل می‌باشند و همواره یارانه‌های قابل توجهی را برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی در

بخش کشاورزی هزینه می‌نمایند. بر اساس آمارهای جهانی کشورهای صنعتی اروپایی روزانه حدود یک میلیارد دلار صرف یارانه‌های تولید بخش کشاورزی می‌نمایند تا امنیت غذایی آنها مورد تهدید واقع نگردد. از آنجا که تخصیص یارانه تولید با مبانی سازمان تجارت جهانی در تضاد می‌باشد، همواره در مذاکرات سازمان مزبور، سایر کشورهای جهان نسبت به تخصیص هزینه یارانه تولید بخش کشاورزی از سوی کشورهای اروپایی اعتراض می‌کنند که آنها نیز بدون توجه به دامنه اعتراضات کماکان نسبت به تخصیص یارانه‌ها که در طی سال بالغ بر 300 میلیارد دلار می‌گردد، اقدام می‌نمایند و دلیل اصلی این اقدام خود را اهمیت و حساسیت تأمین امنیت غذایی برای اروپا عنوان می‌کنند.

ژاپن نیز به امنیت غذایی توجه ویژه‌ای معمول دارد. به‌عنوان نمونه می‌توان به حساسیت نخبگان سیاسی ژاپن نسبت به وضعیت کالاها و محصولات کشاورزی خود همچون برنج اشاره داشت. قیمت برنج صادراتی آمریکا تقریباً برابر با قیمت برنج ژاپنی می‌باشد، ولی دولت ژاپن هیچگاه اجازه نداده است که توزیع برنج آمریکایی با قیمت ارزان، زمینه‌های تخریب ظرفیت‌های تولید داخلی این کشور را فراهم آورد. به‌رغم اینکه زمین کشاورزی در ژاپن محدود است و قیمت محصولات کشاورزی داخلی بسیار بالاتر از قیمت‌های جهانی می‌باشد، ولی نخبگان سیاسی ژاپن نسبت به حفظ ظرفیت‌های تولید داخلی در بخش کشاورزی حساسیت فراوانی دارند و با استفاده از فناوری‌های نوین در بخش کشاورزی به‌ویژه در کشت‌های گلخانه‌ای سعی می‌شود که مزیت‌های رقابتی خود را حفظ نمایند و امنیت غذایی خود را ارتقاء دهند. ژاپن دارای ارتباطات جهانی وسیع و گسترده‌ای است و از این‌رو نسبت به تأمین اقلام غذایی مورد نیاز از طریق واردات خود دارای چالش نمی‌باشد، اما نخبگان سیاسی این کشور با احتمال وقوع جنگ وسیع و گسترده دیگر و همچنین سایر نکات مورد نظر، وابستگی خود را به واردات اقلام غذایی محدود می‌سازند و در پی افزایش ضریب امنیت غذایی با افزایش تولیدات کشاورزی هستند.

در کشور عربستان نیز به امنیت غذایی اهمیت ویژه‌ای داده می‌شود. عربستان یک کشور نفتی ثروتمند، دارای اراضی خشک و بی‌آب و علف می‌باشد. این کشور نیز به‌رغم داشتن روابط خارجی خوب با دنیای خارج و توان مالی بالا برای واردات محصولات کشاورزی، همواره نگران امنیت غذایی خود بوده و سعی می‌کند ظرفیت‌های داخلی برای تولیدات کشاورزی را ارتقاء بخشد. در زمان جنگ تحمیلی، عربستان دست به یک تجربه بزرگ زد و با استفاده از شیرین‌سازی آب دریا و استخراج آب از چاه‌ها عمیق، توانست تولید گندم در این کشور را با موفقیت پشت سر بگذارد. اگرچه تولید گندم در عربستان حدود سه برابر قیمت جهانی برای این کشور هزینه در برداشت و انتقادات داخلی و خارجی زیادی را به‌همراه آورد، ولی نخبگان سیاسی عربستان این اقدام را از منظر اقتصاد سیاسی قابل توجیه دانسته و آن را در راستای حفظ امنیت غذایی لازم و ضروری می‌خواندند.

همانطور که مشاهده می‌شود، تأمین امنیت غذایی را نمی‌توان صرفاً بر اساس اهداف و دلایل اقتصادی و یا مزیت‌های نسبی توجیه نمود، بلکه باید به عناصر مهم دیگری همچون عوامل سیاسی، استراتژیک و اجتماعی نیز توجه نمود. با توجه به مراتب فوق، خودکفایی و خوداتکایی در تولید محصولات کشاورزی، اگرچه ممکن است در بعضی شرایط، غیر اقتصادی تشخیص داده شود، اما از جنبه سیاسی اهمیت ویژه‌ای دارد. هر کشور، به اقتضای شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و الگوی مصرف آن نسبت به مصرف بعضی از اقلام کشاورزی حساسیت ویژه‌ای دارد که امنیت غذایی آن کشور در آن تبلور پیدا می‌کند. به‌عنوان نمونه باید گفت که امنیت غذایی در جمهوری اسلامی ایران به وضعیت اقلام مهمی همچون گوشت، لبنیات، گندم، برنج و روغن حساسیت ویژه‌ای دارد که باید همواره مد نظر نخبگان سیاسی قرار گیرد.

## امنیت غذایی در جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران در سال‌های پس از انقلاب همواره به مقوله خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی و همچنین بالابردن ضریب امنیت غذایی تأکید کرده است. این موضوع همواره دارای جایگاه ثابتی در طی برنامه‌های پنج‌ساله اول، دوم، سوم و چهارم توسعه بوده است.

به‌رغم این تأکیدات، ارزیابی‌های به‌عمل آمده در خصوص وضعیت امنیت غذایی جمهوری اسلامی ایران در طی چهار برنامه توسعه پیشین، گویای این است که ضریب امنیت غذایی در طی برنامه‌ها دارای فراز و نشیب‌های مختلفی بوده است که نمونه‌ای از آن را می‌توان در برنامه سوم و چهارم توسعه مشاهده نمود. برای بررسی دقیق‌تر وضعیت امنیت غذایی و فراز و فرود آن، می‌توان مباحث مربوطه را در سه قلمرو ضریب خودکفایی کالاهای اساسی، تراز تجاری کل محصولات کشاورزی و میزان واردات پیگیری کرد.

### ضریب خودکفایی کالاهای اساسی در جمهوری اسلامی ایران

با توجه به سرمایه‌گذاری‌هایی که در طی برنامه‌های اول و دوم توسعه در بخش کشاورزی صورت گرفته بود، در طی برنامه سوم با اجرای طرح‌های افزایش تولید و ساماندهی‌های مورد نیاز و اعمال حمایت‌های فنی و اعتباری و به‌رغم دو سال خشکسالی، ضرایب خودکفایی در اغلب محصولات ارتقاء چشمگیری یافت و ضریب خودکفایی سال آخر برنامه برای گندم به 98/9 درصد، شکر 86/3 درصد، حبوبات 114/5 درصد، گوشت قرمز 93 درصد، گوشت مرغ حدود 100 درصد و شیر 98/4 درصد بالغ گردید و میزان خودکفایی برنج در حد 60 درصد تثبیت گردید. کارکردها و نتایج مذکور، از جمله دستاوردهای مناسب برنامه‌های توسعه در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند. اما در طی برنامه چهارم توسعه، به عللی همچون عدم استمرار اجرای برنامه-

های فنی و اعتباری و طرح‌های افزایش تولید، صدور اجازه واردات بیش از نیاز برای بعضی از اقلام، ضریب خودکفایی کاهش چشمگیری یافت. این امر در حالی اتفاق افتاد که در طی دوران برنامه چهارم، تنها در یک سال، کشور دارای خشکسالی بوده است. در طی برنامه چهارم، میزان ضریب خودکفایی گندم از 98/9 به 72/7 درصد کاهش یافت، ضریب خودکفایی برنج که طی سه سال برنامه حدود 60 درصد بود، به 53 درصد تنزل یافت و ضریب خودکفایی شکر از 86/3 درصد برنامه به 61/1 درصد رسید. ضریب خودکفایی حبوبات که در طی کلیه برنامه‌ها صد درصد و یا بیش از آن بود به 82/7 درصد نزول پیدا کرد و ضریب خودکفایی روغن نباتی که در برنامه سوم رشد ملموسی پیدا کرده بود (از 5 درصد به 11/5 درصد افزایش یافته بود) طی این برنامه کاهش یافت و به 9/5 درصد رسید. کاهش ضریب امنیت غذایی و خودکفایی در طی برنامه چهارم، جای تأمل داشته و محتاج چاره‌اندیشی است؛ چرا که از یکسو موجب تنزل شاخص‌های کارکردی برنامه سوم در خصوص ضرایب مناسب خودکفایی و امنیت غذایی گردیده و از سوی دیگر به سبب همزمانی برنامه چهارم با اجرای دوره سند چشم‌انداز (1404-1384)، موجب ایجاد ابهام‌های اساسی در تحقق اهداف مورد انتظار گردیده است. ضریب خودکفایی در مورد برخی محصولات اساسی در طی سال‌های 88-1368 در جدول 1، ارائه گردیده است.

جدول 1: ضریب خودکفایی در مورد برخی محصولات کشاورزی طی سال‌های 88-1368

محصول	برنامه اول		برنامه دوم		برنامه سوم		برنامه چهارم	
	68	72	74	78	79	83	84	88
گندم	52/4	82/1	75/7	58/5	59	98/9	99/4	72/7
برنج	60/3	57/6	58/8	59/9	52/3	59/1	63	53
سیب‌زمینی	100	100	100	100	102/2	100/9	104/9	108/3
قند و شکر	54/6	65/3	52	43	51/2	86/3	64/7	61/1
حبوبات	98/9	100	100	98/9	102	114/5	108/2	82/7
روغن نباتی	8/8	10/6	8/2	5/6	4/9	11/5	11/8	9/5
گوشت قرمز	82/3	86/2	86/9	99/9	97/8	93	97/3	89/3
گوشت مرغ	100	92	99/9	98/1	98/3	100	101/3	98
شیر	84/8	90/5	96/4	99/8	99/1	98/4	99/2	91/8
انواع ماهی	100	100	98/7	99/5	101	101/2	99/9	98

مأخذ: کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن



ضمناً ارزیابی شاخص‌های امنیت غذایی در جمهوری اسلامی ایران در طی چهار برنامه توسعه، نشان‌دهنده آن است که مجموع ارزش‌گذاری اثربخشی در اجرای راهبردهای تأمین و ارتقای امنیت غذایی، در حد متوسط بوده که عملکرد مناسبی دانسته نمی‌شود. در جدول 2، ارزش-گذاری اثربخشی که به آن مؤثریت نیز گفته می‌شود، گزارش شده است.

جدول 2: ارزش‌گذاری اثربخشی اجرای راهبرد تأمین و ارتقای امنیت غذایی طی 4 برنامه توسعه

محوه‌های اثربخشی اجرای استراتژی	اثربخشی خیلی کم	اثربخشی کم	نسبتاً اثربخش	اثر بخشی زیاد	اثربخشی خیلی زیاد
	0-20	21-40	41-60	61-80	81-100
1- روند تولید و عرضه سرانه			*		
2- روند عرضه پروتئین حیوانی			*		
3- روند عرضه پروتئین گیاهی			*		
4- روند عرضه انرژی و کالری				*	
5- مبارزه بیولوژیکی		*			
6- مصرف سم و ترکیب کود		*			
7- استانداردسازی محصولات		*			
8- توسعه قرنطینه-های دامی و گیاهی			*		
9- توسعه کشت ارگانیک		*			
متوسط اثربخشی اجرای راهبرد بر مبنای اعتبار محورها	45				

مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

معنی و مفهوم ارزش‌گذاری مزبور گویای ناتمام ماندن تلاش‌های مربوط به افزایش ضریب خودکفایی محصولات اساسی کشاورزی در کشور بوده که کمبود آنها با افزایش واردات مرتفع گردیده است.

## تراز تجاری کل محصولات کشاورزی کشور

از دیگر مؤلفه‌های امنیت غذایی، وضعیت تراز تجاری کل محصولات کشاورزی می‌باشد. با توجه به روند نزولی ضریب خودکفایی در محصولات اساسی که در طی برنامه چهارم توسعه به‌وقوع پیوسته است، متأسفانه این وضعیت در تراز تجاری کل نیز انعکاس داشته است؛ بدین معنی که به‌سبب افزایش بیشتر واردات نسبت به صادرات، تراز تجاری کل منفی گردیده که نوعی تهدید برای امنیت غذایی محسوب می‌شود. جدول 3، وضعیت تولید، واردات، صادرات و تراز تجاری کل محصولات کشاورزی را طی سال‌های برنامه چهارم توسعه نشان می‌دهد:

جدول 3: تولید، واردات، صادرات و تراز تجاری کل محصولات کشاورزی طی برنامه چهارم توسعه

سال- های برنامه	تولید وزن(هزار تن)	واردات		صادرات		تراز تجاری	
		وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)
1384	95316	8674	3201	2221	2277	-6452	-923
1385	98039	12825	4869	2777	2845	-10048	-2024
1386	102053	10819	5358	3874	3518	-6946	-1840
1387	80281	17992	8980	3342	3347	-14650	-5633
1388	93435	18404	8518	3047	4180	-15357	-4337

مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

## آمار و ارقام واردات محصولات کشاورزی کشور

همسو با ارزیابی تراز تجاری کل، تبیین وضعیت روند واردات نیز از دیگر مؤلفه‌های امنیت غذایی محسوب می‌گردد. واردات برنامه‌ریزی شده که برای کنترل بازار و تأمین ذخایر راهبردی باشد، دارای توجیه عقلانی خواهد بود، اما واردات بی‌رویه و بدون برنامه ضربات جبران‌ناپذیر به بنیان‌های تولید داخلی و اشتغال وارد نموده و دارای آثار منفی بر ضریب امنیت غذایی است. آمار ضریب خودکفایی و امنیت غذایی در کالاهای حساس در طی برنامه چهارم، نسبت به برنامه سوم تنزل داشته

است و همین امر زمینه افزایش واردات را در طی برنامه چهارم قطعی نمود. از اینرو میزان واردات طی سال‌های برنامه چهارم در مقایسه با برنامه سوم افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد. میزان کل واردات اعم از نهاده‌های کشاورزی و محصولات و کالاهای نهایی و آماده مصرف طی سال‌های 83-1379 در برنامه سوم به ترتیب بالغ بر 13/8، 14/5، 10/4، 8/9، 9/8 میلیون تن بوده است. اما واردات در طی سال‌های برنامه چهارم (88-1384) به ترتیب به 8/6، 12/8، 10، 17/9 و 18/4 میلیون تن رسید که نشان از رشد قابل توجه واردات بوده است که متضمن کاهش ضریب امنیت غذایی می‌باشد. یکی از نکات مهم که در مقایسه روند واردات در سال‌های برنامه سوم و چهارم به دست می‌آید، این است که در سال‌های پایانی برنامه سوم روند واردات کاهش یافته ولی در سال‌های پایانی برنامه چهارم، روند واردات افزایش داشته است. آمار واردات ده‌ساله 88-1379 در سال‌های برنامه سوم و چهارم و همچنین واردات در سال 1389 در جدول 4، آمده است.

جدول 4: واردات یازده‌ساله 1379 الی 1389

سال	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)
1379	13871/9	2937/8
1380	14589/9	2930/4
1381	10414/4	2612/5
1382	8917/2	2917/3
1383	9829/5	3737/1
1384	8674	3797/6
1385	12825	5754/9
1386	10819	6095/1
1387	17992	11550/8
1388	18404	9875/3
1389	14912	9922

مأخذ: گمرک ایران

همانطور که ملاحظه می‌شود، آمار واردات در بین سال‌های پایانی برنامه چهارم افزایش قابل توجهی داشته است که ارزش دلاری آنها بالغ بر 11/5 و 9/8 میلیارد دلار می‌شود. واردات در سال 1389 از لحاظ وزنی

کاهش ولی از لحاظ ارزش دلاری افزایش داشته و به میزان 9/9 میلیارد دلار رسیده است.

از شاخص‌های اصلی امنیت غذایی، ترکیب بهینه تولید داخلی با میزان واردات اعم از نهاده‌ها و محصولات و کالاهای نهایی می‌باشد. ترکیب مناسب شاخص‌های مزبور، وضعیت مناسبی از امنیت غذایی را به دست می‌دهد. متأسفانه با تجزیه و تحلیل این ارقام، این نکته روشن می‌گردد که بخش کشاورزی دارای ترکیب بهینه تولید داخلی با میزان واردات نمی‌باشد و همین امر وضعیت امنیت غذایی جمهوری اسلامی ایران را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد.

در تداوم ارائه تصویر کلان از وضعیت واردات بخش کشاورزی به وضعیت واردات کالاها و محصولات نهایی بعضی از اقلام حساس همچون محصولات پروتئینی که دارای آثار مهم نسبت به ضریب امنیت غذایی می‌باشند طی سال‌های 89-1383 اشاره می‌کنیم (جدول 5).

همانطور که از داده‌های جدول 5، ملاحظه می‌شود در سال 1383، مجموع واردات اقلام پروتئینی (گوشت سفید و قرمز) به میزان 65 هزار تن و بالغ بر 110 میلیون دلار می‌گردید، اما این رقم در سال 1389 به میزان 200 هزار تن و بالغ بر 975 میلیون دلار (حدود 10 درصد کل ارزش واردات در سال 1389) گردیده است و چشم‌انداز سال‌های آتی نیز نگران‌کننده‌تر می‌باشد.

جدول 5: آمار واردات برخی کالاهای حساس کشاورزی در سال‌های 89-1383

سال	گوشت		گوساله		تخم مرغ
	منجمد	گوشت	گوسفند	گوشت	
1380	ارزش (هزار دلار)	64420	0	0	629
	وزن (تن)	30176	0	0	35
1381	ارزش (هزار دلار)	25753	0	6655	3667
	وزن (تن)	15786	0	7528	545
1382	ارزش (هزار دلار)	58475	0	185	4781
	وزن (تن)	34340	0	221	895
1383	ارزش (هزار دلار)	96657	0	13550	1232
	وزن (تن)	52131	0	13655	51
1384	ارزش (هزار دلار)	32922	0	0	4200
	وزن (تن)	17233	0	0	262
1385	ارزش (هزار دلار)	133858	0	871	1724
	وزن (تن)	52506	0	562	82
1386	ارزش (هزار دلار)	174731	270	54945	877
	وزن (تن)	62136	63	32696	45
1387	ارزش (هزار دلار)	283516	0	38770	855
	وزن (تن)	73364	0	19801	36
1388	ارزش (هزار دلار)	421921	1174	19078	1142
	وزن (تن)	105087	220	9437	97
1389	ارزش (هزار دلار)	808603	79298	86802	11336
	وزن (تن)	187734	12106	44333	989
4 ماهه	ارزش (هزار دلار)	275010	3415	40464	36394
1390	وزن (تن)	50088	25059	17334	12721

مأخذ: سازمان توسعه تجارت

لازم به ذکر است در سال 1390 و به منظور حمایت از تولیدکنندگان داخلی، مقدار واردات گوشت قرمز به میزان 100 هزار تن پیش‌بینی گردیده بود که متأسفانه تمامی آن در 5 ماهه اول سال، وارد کشور شد. این قبیل ناهماهنگی‌ها در امر واردات، یکی از مهم‌ترین موانع و مشکلات برای دامداران و تولیدکنندگان داخلی می‌باشد که در نهایت موجب ضرر و زیان به آنها می‌شود و ضریب امنیت غذایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین باید افزود گوشت گوسفند وارداتی در سال 1389 و 5 ماهه اول سال 1390، از کشورهای پاکستان، قرقیزستان، مغولستان، گرجستان، ارمنستان و استرالیا وارد گردیده است. گوشت

گوساله وارداتی در سال 1389 و 5 ماهه سال اول 1390 نیز فقط از کشور برزیل وارد شده است.

سیاست‌های نادرست وارداتی در زیر بخش دام، موجب افزایش چشمگیر آمار گوشت (قرمز و سفید) طی سال‌های اخیر شده است. رشد واردات و عدم حل مشکلات تولیدکنندگان صنعتی و سنتی به تعطیلی تدریجی دامپروری‌های بزرگ و کوچک (روستایی) و همچنین کاهش ذخایر ژنتیکی کشور منجر می‌گردد. عدم حمایت از تولیدات دامی با توجه به شرایط حاکم بر وضعیت آب و هوایی کشور همچون خشکسالی‌ها و حمایت از امور وارداتی، هیچ‌گونه امکان رقابت را برای دامداران داخلی فراهم نمی‌نماید و ادامه این روند موجب می‌گردد تمامی سیاست‌های توسعه‌ای دام دچار آسیب‌پذیری جدی شوند. ضربه به بنیان‌های تولیدی زمینه افزایش بیکاری را با ضریب فزاینده در سطح کشور فراهم می‌سازد که از جمله آثار کاهش ضریب امنیت غذایی محسوب می‌شود.

در اینجا و در راستای تکمیل تصویر مورد اشاره، به واردات میوه که در طی سال‌های 89-1384 نیز دارای روند افزایشی بوده است، اشاره می‌شود. سیر افزایشی واردات میوه با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های تولید میوه در سرزمین پهناور جمهوری اسلامی ایران که برخوردار از تنوع آب و هوایی می‌باشد و این امر همواره به‌عنوان یکی از مزیت‌های اقتصادی محسوب می‌شود را نمی‌توان توجیه نمود (جدول 6).

جدول 6: آمار واردات میوه به کشور در دهه 1390

واردات میوه		سال
وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	
110	40	1380
180	58	1381
271	86	1382
288	88	1383
570	177	1384
679	217	1385
861	280	1386
825	290	1387
1043	530	1388
977	611	1389
310	226	4 ماهه 1390

مأخذ: سازمان توسعه تجارت

واردات میوه که در سال‌های برنامه سوم به 110، 180، 271 و 288 هزار تن رسیده بود و عموماً شامل محصولات گرمسیری می‌گردید، به حدود یک میلیون تن در سال 1389 رسیده است. واردات میوه در سال‌های اخیر شامل میوه‌های گرمسیری و سردسیری می‌شود که آثار هر یک از آنها متفاوت است. از آنجا که میوه‌های گرمسیری در ایران تولید نمی‌شوند، ولی واردات میوه‌های سردسیری دارای قابلیت‌های فراوان تولیدی در داخل کشور هستند، لذا واردات میوه‌های سردسیری به‌عنوان رقیب محصولات داخلی تلقی می‌گردند. افزایش میزان عرضه میوه‌های وارداتی سردسیری به‌خصوص در فصل تداخل با میوه‌های داخلی باعث کاهش تقاضای آنها و موجب زیان اقتصادی به تولیدکنندگان میوه‌های داخلی می‌گردد.

به‌عنوان نمونه باید گفت که در 4 ماهه ابتدایی سال 1390 که با ماه‌های برداشت میوه‌های تابستانی توأم بود، میزان واردات میوه بالغ بر 226 میلیون دلار گردیده است. همزمانی واردات با ایام برداشت محصول موجب ایجاد ضرر و زیان و سایر مشکلات دیگر برای باغداران و تولیدکنندگان داخلی می‌شود.

واردات بعضی دیگر از محصولات اساسی کشاورزی در طی سال‌های برنامه سوم و چهارم نیز نشان‌دهنده روند افزایشی است که نمایانگر عدم رشد تولیدات داخلی و کاهش ضریب امنیت غذایی می‌باشد. واردات محصولات اساسی کشاورزی موضوع پراهمیت دیگری است که در جدول 7، به آن پرداخته شده است.

جدول 7: مقادیر واردات محصولات اساسی کشاورزی طی برنامه‌های سوم و چهارم (هزار تن)

محصولات	79	80	81	82	83	84	85	86	87	88
گندم	5163	6771	2839	733	170	105	1152	189	5919	5060
ذرت	1228	1711	1705	2630	3000	2114	2908	2683	3397	3854
برنج	1167	699	1047	875	1142	1045	1220	1067	1389	1290
شکر	924	939	825	288	189	707	2526	1236	1102	881
روغن	1045	979	1096	1286	1162	1384	1380	1411	1133	1370

مأخذ: سازمان توسعه تجارت

در یک ارزیابی کلی دلایل زیر را می‌توان به‌عنوان چالش‌های اصلی افزایش واردات در طی سال‌های مختلف برنامه‌های توسعه که منعکس-کننده کاهش ضریب امنیت غذایی و خود کفایی کشاورزی محسوب می‌شود، بر شمرد:

الف) درآمدهای هنگفت ارزی به‌سبب افزایش قابل توجه قیمت نفت در طی سال‌های 89-1383، زمینه‌های حمایت از تولیدات داخلی را کاهش و واردات محصولات کشاورزی را افزایش داده که بسترهای آسیب‌پذیری ملی در خصوص امنیت غذایی را افزایش بخشیده است. این امر دارای آثار خسارت‌بار گسترده در عرصه اقتصادی، اجتماعی و همچنین افزایش بیکاری دائمی و فصلی و کاهش درآمد تولیدکنندگان و روستائیان می‌باشد.

ب) به عوامل تسهیل‌کننده در طراحی استراتژی‌های توسعه بخش کشاورزی دقت کافی معمول نشده است.

ج) به الزامات تأمین مقدمات فنی-اقتصادی-اجتماعی، برای اجرای اهداف کلان بخش کشاورزی توجه کافی نشده است.



با توجه به اینکه در پی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، به تولیدکنندگان و خصوصاً بخش کشاورزی توجهی نشده است و از سوی دیگر درآمدهای ارزی دولت دارای شرایط مناسبی می‌باشد، اگر روند موجود تداوم یابد، پیش‌بینی می‌شود که تولید به سبب اعمال قانون یارانه‌ها کاهش و روند واردات کشاورزی خصوصاً محصولات و کالاها افزایش یابد که برآیند این وضعیت را می‌توان در کاهش هرچه بیشتر ضریب امنیت غذایی خلاصه نمود. نظر به اینکه تحریم‌های بین‌المللی نیز رو به تشدید است، کاهش ضریب امنیت غذایی کشور نگران‌کننده خواهد بود.

### راهکارهای افزایش امنیت غذایی در دهه 1390 و دوران اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها

قانون هدفمندکردن یارانه‌ها یکی از ابزارهایی است که حُسن اجرای آن می‌تواند منشاء تحولات بنیانی در اقتصاد ملی و اقتصاد بخش کشاورزی گردد و به تبع ضریب امنیت غذایی را نیز افزایش بخشد. حُسن اجرای قانون مزبور، منوط به رعایت اصول، سیاست‌ها و استراتژی‌های همه-جانبه در ابعاد مختلف و همچنین هماهنگی آنها با یکدیگر می‌باشد که به رئوس بعضی از آنها اشاره می‌شود. بدیهی است با عدم رعایت سیاست‌ها و استراتژی‌های جدید و یا ادامه وضعیت موجود، چشم‌انداز نگران‌کننده‌ای برای امنیت غذایی می‌توان ترسیم کرد که دارای هزینه-ها و خسارات گسترده مالی، اجتماعی، بهداشتی، اقتصادی و امنیتی برای کشور خواهد بود. از جمله سیاست‌ها و استراتژی‌هایی که باید به صورت هماهنگ و مکمل همدیگر مد نظر نخبگان سیاسی قرار گیرد، عبارت است از:

-تجدید نظر در وضعیت سیاست‌های قیمت‌گذاری

-تجدیدنظر در وضعیت سیاست‌های وارداتی

## سیاست قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی

هرگاه سیاست‌های قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی به‌درستی انتخاب و به اجرا گذاشته شوند، قطعاً می‌توانند توانایی‌های کشاورزی ایران و همچنین امنیت غذایی کشور را ارتقاء بخشند و نگرانی برای روزهای سخت در آینده را کاهش دهند.

دولت برای جلوگیری از افزایش تورم، همواره به کنترل قیمت محصولات کشاورزی دست زده است. این سیاست باعث شده که میزان درآمد کشاورزان محدود شود و انگیزه‌ای برای افزایش تولید وجود نداشته باشد که در نهایت کشور را دچار چالش‌های اقتصادی و اجتماعی نموده است. بدیهی است که با تداوم وضعیت موجود و با این نوع سیاست‌های قیمت‌گذاری، بنیان‌های تولیدات کشاورزی در بلندمدت تضعیف و یا حتی تخریب می‌گردد. نمونه تأییدی این نکات را می‌توان در میزان افزایش واردات محصولات و کالاهای کشاورزی به ایران مشاهده نمود. در سال 1379 به میزان 1/3 میلیون تن کالا و محصولات کشاورزی به ایران وارد شد که این رقم در سال 1388 به حدود 20 میلیون تن رسید. این امر گویای ناصحیح بودن و غیرکارآمد بودن سیاست‌های قیمت‌گذاری در بخش کشاورزی است که منجر به کاهش تولید، کاهش درآمد تولیدکنندگان، افزایش واردات محصولات کشاورزی و در نهایت کاهش ضریب امنیت غذایی در 10 سال گذشته شده است. با چالش‌هایی که در نحوه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها وجود دارد و تولیدکنندگان بخش کشاورزی و صنایع غذایی به نحو بایسته مورد حمایت قرار نمی‌گیرند، پیش‌بینی چشم‌انداز نگران‌کننده‌تری نسبت به وضعیت امنیت غذایی در طی سال‌های آینده وجود دارد که لزوم بازنگری و تجدید نظر نسبت به سیاست‌های قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی و همچنین حمایت‌های همه‌جانبه و گسترده از تولیدکنندگان بخش را پیش از پیش ضروری می‌سازد.

## سیاست واردات محصولات کشاورزی

سیاست‌های وارداتی محصولات کشاورزی، در تمامی کشورها تحت-الشعاع متغیرهای مختلف می‌باشد که از آن جمله باید به سیاست‌های تعرفه‌ای اشاره داشت. عدم انتخاب سیاست‌های تعرفه‌ای مناسب موجب افزایش واردات و چالش در وضعیت تولید داخلی می‌شود. متأسفانه مشاهده می‌شود که هم‌اکنون این وضعیت در جمهوری اسلامی ایران حاکم شده است. بدین معنی که با افزایش قیمت محصولات داخلی (گوشت قرمز، گوشت سفید، برنج، شکر و سایر) دولت بلافاصله در سیاست‌های تعرفه‌ای تجدید نظر کرده و با کاهش تعرفه‌های گمرکی که حتی در طی سال چند بار نیز تکرار می‌شود، ضربات جبران‌ناپذیری به تولید داخلی و تولیدکنندگان وارد می‌سازد.

بدیهی است که در این وضعیت، تولیدکننده ایرانی همواره نگران آثار تخریبی سیاست‌های دولت باشد و نتواند برای افزایش تولید چاره-اندیشی نماید. دولت می‌تواند برای کنترل قیمت محصولات کشاورزی، با انعقاد قراردادهای بلندمدت با تولیدکنندگان داخلی، نگرانی خود را از نوسانات مقطعی کاهش دهد، ولی نباید برای کنترل قیمت‌ها با سلاح واردات و با کاهش نرخ‌های تعرفه‌ای به جنگ تولید داخلی برود.

سیاست‌گذاری‌های نادرست تعرفه‌ای، موجب می‌شود که از سرمایه-گذاری‌های موجود استفاده مناسب به‌عمل نیاید، سرمایه‌گذاری‌های جدید صورت نپذیرد و در نهایت به اتلاف گسترده منابع منجر گردد. به‌عنوان نمونه می‌توان به وضعیت واردات شکر در طی سال‌های گذشته و نقش سیاست‌های تعرفه‌ای نادرست که موجب بروز خسارات سنگین اقتصادی و اجتماعی بر بخش کشاورزی و تولیدکنندگان و کارخانجات تولیدی شد، اشاره کرد.

با کاهش حدود 100 درصدی تعرفه واردات شکر در سال 1385، واردات شکر به میزان 3/5 میلیون تن افزایش یافت. تصمیم کاهش تعرفه واردات شکر منجر به انبوه واردات شکر به میزان حدود سه برابر

تولید داخلی کشور گردید که ضربات سنگینی را به زنجیره تولید شکر در کشور وارد ساخت. بخشی از آثار سیاست‌گذاری‌های ناصحیح چنین است:

الف) سطح زیر کشت چغندر قند به یک چهارم کاهش یافت.

ب) کارخانجات قند کاهش ظرفیت داده و تعدادی از نیروها بیکار شدند.

ج) میزان تولید تفاله خشک و تروملاس نیز کاهش یافت و در نتیجه کارخانجات الکل و سایر با کاهش تولید مواجه شدند.

د) نیروهای کارگری روزمزد، فصلی و دائمی مزارع بیکار گردیدند.

ه) شرکت‌های بزرگ دولتی نیز دچار بحران نقدینگی گردیدند که برای رفع نسبی مشکلات آنها از منابع دولت هزینه شد.

و) دلال‌های حرفه‌ای نیز با کسب ثروت‌های بادآورده به نابودی تولیدات داخلی و بیکاری اقشار مستضعف یاری رساندند.

این وضعیت برای تعرفه‌های پنبه و حبوبات نیز وجود داشته است. این امر موجب افزایش قابل توجه واردات پنبه و حبوبات در طی برنامه چهارم شده و کاهش سطح زیر کشت آنها و همچنین بر هم خوردن برنامه تناوب محصولات زراعی دیم و آبی کشور را به وجود آورده است.

سیاست‌های نادرست تعرفه‌ای منجر به افزایش واردات گردیده، به نحوی که متأسفانه هم‌اکنون مافیای شبکه واردکنندگان با بهره‌گیری از سیاست‌گذاری‌های نادرست، بازارهای کشور را از محصولات کشاورزی همچون سیب‌زمینی، برنج و مرکبات (پاکستان و مصر)، انگور (شیلی)، میوه (چین)، موز، نارگیل و انبه (سريلانکا، هند و اکوادور)، برنج (تایلند و اروگوئه)، مرغ (برزیل)، گوشت قرمز (پاکستان و قرقیزستان) و گردو (لبنان و سوریه) اشباع نموده‌اند. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، به غیر از میوه‌های مناطق گرمسیری و حاره، سایر محصولات در ایران تولید می‌-

شود که با عدم حمایت از تولیدکنندگان، زمینه برای کاهش تولید و افزایش واردات فراهم شده است.

با توجه به این نکات، برای افزایش ضریب امنیت غذایی باید دو اقدام کلان را صورت داد:

1- تجدیدنظر در سیاست‌های قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی که انگیزه کشاورزان و تولیدکنندگان را برای افزایش تولید مهیا خواهد ساخت. همچنین این اقدام همراه با رعایت منافع تولیدکنندگان و کشاورزان خواهد بود که موجب تغییر چهره مناطق روستایی گردیده و زمینه‌های ریشه‌کن شدن فقر در مناطق روستایی را فراهم می‌سازد. با افزایش درآمد تولیدکنندگان و روستائیان و همچنین با پوشش گسترده سیاست‌های بیمه محصولات، بیمه درمانی و سایر می‌توان چهره توسعه‌یافتگی را برای روستاهای کشور به ارمغان آورد.

2- تجدید نظر در سیاست‌های وارداتی و تعرفه‌ای به‌نحوی که محدودیت‌های صحیح و معقولی را برای واردات اعمال نماید تا بستر و زمینه برای افزایش تولیدات داخلی فراهم گردد. متأسفانه با عدم اجرای صحیح قانون هدفمندی یارانه‌ها از سوی دولت و سیاست‌های نادرست تعرفه‌ای و وارداتی، به تولیدکنندگان بخش کشاورزی (زراعت، دام و طیور) فشار فراوانی وارد شده است. از این رو پیش‌بینی می‌شود که تا مادامی که ارز حاصل از صادرات نفت همچنان روند مناسبی داشته باشد، مشکلات بخش کشاورزی با واردات حل شود! بدیهی است با ادامه این وضعیت، شبکه و زنجیره تولید ضربات سنگین‌تری را متحمل خواهد شد و سیاست تأمین امنیت غذایی کشور با تأکید بر تولید از منابع داخلی و خودکفایی محصولات اساسی کشاورزی بر اساس رویکرد بلندمدت سند چشم‌انداز 1404، در هاله‌ای از ابهام فرو خواهد رفت که این

امر هزینه‌زایی‌های فراوانی را از ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی برای کشور به‌همراه خواهد داشت.

تجربه نشان داده که بسته‌ی سیاسی قیمت واردات محصولات کشاورزی، اگر به‌نحو دقیق و هماهنگ تهیه نشود، منجر به دور باطل می‌گردد. عدم اصلاح سیاست‌گذاری‌های قیمتی، موجب کاهش انگیزه تولیدکنندگان و به‌تبع موجب کاهش تولیدات بخش کشاورزی می‌شود که برای رفع آن به ناچار تن به افزایش واردات داده خواهد شد. برای افزایش واردات باید در سیاست بازرگانی خارجی رو به‌سوی کاهش نرخ-های تعرفه‌ای آورد که به‌معنی ایجاد دور باطل و ورود ضربه‌ی دیگر به تولیدکنندگان داخلی و مهیا کردن بازار برای تجار خارجی شده و در نهایت به کاهش ضریب امنیت غذایی می‌انجامد.

در شرایط تحریم‌های بین‌المللی و محدودسازی سرمایه‌گذاری‌های خارجی و سایر، افزایش واردات کالا متضمن این نکته است که رویکرد اصلی کشور در تعاملات بین‌المللی، عمدتاً به سطح واردات محصولات و کالاها تقلیل یافته است. تعاملات بین‌المللی دارای دامنه‌ی وسیع و گسترده‌ای است که شامل انتقال فناوری‌های پیشرفته، افزایش بهره‌وری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک نیز می‌شود. تقلیل بخش اعظم محورها و مؤلفه‌های مذکور به واردات کالا و محصول، زمینه‌ساز چالش در حوزه امنیت ملی و امنیت غذایی می‌گردد.

افزایش واردات هرگاه همراه با کاهش نرخ‌های تعرفه‌ای و همچنین سیاست‌های نامناسب قیمت‌گذاری داخلی باشد، موجب می‌شود که کشور به زشت‌ترین چهره‌ی جهانی شدن که خود را در واردات بی‌رویه محصولات و کالاها نمایان می‌سازد، تن در دهد، بدون آنکه از فرصت-های آن بهره‌مند گردد. واگذاری بازارهای داخلی به دلان حرفه‌ای و شبکه‌های بین‌المللی واردات کالا هرگاه بدون بهره‌گیری از فرصت‌های جهانی شدن باشد، به‌عنوان بدترین نوع تهدید محسوب می‌گردند.

می‌دانیم که هر یک از کشورهای جهان دارای نوعی سیاست توازن- بخشی میان سیاست‌های حمایتی داخلی برای تولیدکنندگان و بازار داخلی با تجارت خارجی (صادرات و واردات کالا) هستند، به نحوی که دامنهٔ تهدیدات خود را کاهش و زمینه فرصت‌ها برای ظرفیت‌های داخلی را افزایش دهند. هم‌اکنون نیز حتی بسیاری از کشورهای پیشرفته و عضو سازمان تجارت جهانی به‌رغم آنکه دارای اقتصادهای آزاد می‌باشند، برای حفاظت از ظرفیت‌های تولید داخلی اقلام استراتژیک و مؤثر در تأمین امنیت اقتصادی و همچنین امنیت غذایی، دارای سیاست‌های حمایتی هستند و بازار داخلی خود را به‌راحتی در اختیار دیگران قرار نمی‌دهند. اهمیت رعایت سیاست توازن بخشی در نزد کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، موجب گردیده که حتی مدیر کل این سازمان از این امر ابراز نگرانی نماید و خواستار آن شود که کشورهای عضو سازمان، محدودیت بر واردات خود ایجاد نکنند. وی در نشست اخیر سازمان تحت عنوان اهمیت بازنگری رویه‌های تجاری پس از بحران مالی جهانی در سال 2009 گفت:

"در سال گذشته ارزش تجارت جهانی 14/5 درصد رشد کرد و انتظار می‌رود که امسال رشد تجارت جهانی حداقل 6/5 درصد باشد. این ارقام نشان می‌دهد که تجارت چگونه به فرار و عبور از رکود اقتصادی دو سال پیش کمک کرده و نقش قابل توجهی در بهبود اقتصادی کشورها داشته است. البته این رشد مهم در تجارت جهانی پیامد گشایش بازارها به‌رغم بحران شدید اقتصاد جهانی بوده است. من در دسامبر سال گذشته هم گفتم که دولت‌ها در برابر انتقاد به حمایت داخلی از تولیدات، سرسختانه مقاومت کرده و محدودیت‌های جدید بر سر راه تجارت آزاد اعمال می‌کنند. الان اما خبرهای نه چندان خوبی داریم و آن اینکه نتایج نظارت بر مقررات تجاری حاکی از آن است که محدودیت‌های بازرگانی طی شش ماه گذشته شدیدتر از دوره‌های قبل بوده است. تناقض اینجاست که در دوران اوج بحران، سیاست‌های حمایتی توجیه‌پذیر بود، اما امروز ما در حال خروج از بحران هستیم و این رویه عقلائی نیست. انواع مشخص و متداول محدودیت‌های تجاری

بنا به گزارش ناظران سازمان تجارت جهانی از این قرارند: افزایش تعرفه واردات و صدور مجوز غیرخودکار برای واردات و محدودیت‌های جدید صادراتی. بنابراین مهم این است که جلوگیری از تشدید نظارت و مراقبت‌های حاد تجاری را در دستور کار خود قرار دهیم تا اوضاع از این بدتر نشود. خطر اصلی این است که محدودیت‌های تجاری از سوی یک کشور به محدودیت‌های بیشتر از سوی کشورهای دیگر دامن خواهد زد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی نیز سیاست‌های حمایتی اتخاذ کرده‌اند و بازارهای خود را به رایگان در اختیار دیگران قرار نمی‌دهند. آنها نه تنها در زمان رکود، بلکه در دوران خروج از رکود نیز همچنان به توازن بخشی بین سیاست‌های حمایتی با سیاست‌های تجاری توجه و تأکید دارند. اما متأسفانه جمهوری اسلامی ایران که حتی عضو سازمان تجارت جهانی نیز نمی‌باشد، بدون توجه به سیاست‌های قیمت‌گذاری مناسب، بازارهای داخلی را رها، تعرفه‌ها را کاهش و تمامی فرصت‌ها را در اختیار شبکه‌های بین‌المللی واردات کالا که برای دیگر کشورها بیشترین ارزش افزوده را دارد، قرار داده است.

تمامی این وضعیت‌ها از جمله آثار و عواقب عدم توجه به اصلاحات ساختار اقتصادی خصوصاً در بخش کشاورزی می‌باشد که در عرصه داخلی تولیدکنندگان و کشاورزان را ناراضی و در عرصه بین‌المللی، تهدیدات جهانی‌شدن را تشدید می‌نماید. قانون هدفمندی یارانه‌ها می‌تواند بسترساز اصلاحات ساختاری در عرصه اقتصاد ملی و همچنین بخش کشاورزی باشد، به نحوی که یکی از وجوه آن معطوف به حمایت از تولید کالاهای حساس همچون اقلام مؤثر در امنیت غذایی گردد. در صورتی که از تولیدکنندگان حمایت نشود، باید انتظار کاهش تولید و افزایش واردات را داشت.

سیاست‌های تعرفه‌ای، هرگاه با استراتژی‌های همه جانبه توازن بخشی میان حمایت‌های داخلی با تجارت خارجی و همچنین میان فرصت‌ها و



تهدیدات جهانی شدن نباشد، به امری یکسویه و تک‌بعدی تبدیل شده که صرفاً در پی رفع نیازهای مقطعی شهروندان و پاسخ به تقاضاهای داخلی می‌باشد. حال آنکه سیاست‌ها و ابزارهای تعرفه‌ای باید بستر ساز ورود فعالانه به بازارهای جهانی و بهره‌گیری از فرصت‌های مهمی همچون بازاریابی، بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته، ارتقاء بهره‌وری، سرمایه‌گذاری‌های مشترک، افزایش ظرفیت‌های داخلی و رشد اشتغال باشد و فرصت‌های مناسب را برای کشور به همراه آورد. یک‌سونگری در سیاست‌های تعرفه‌ای، نه تنها اشتغال داخلی را افزایش نخواهد داد بلکه حفظ سطح موجود اشتغال را هم مشکل خواهد ساخت. بدیهی است که آثار نگرانی‌های مزبور را نمی‌توان در روزگاری که دوران افزایش درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت می‌باشد، لمس کرد، اما ابعاد آن در هنگام ظهور و بروز شوک‌های قیمتی نفت یا تحریم‌ها همراه با کاهش قابل توجه درآمدهای نفتی باشد، آشکار خواهد گردید.

در بخش پایانی این جزوه به موضوع طرح قانون هدفمندی یارانه‌ها و چشم‌انداز تأثیر آن بر امنیت غذایی کشور اشاره می‌شود.

می‌دانیم که در دوران جنگ تحمیلی برقراری و افزایش یارانه‌ها از حمایت عمومی برخوردار بود، اما بعد از خاتمه جنگ و در زمان فعالیت دولت پنجم تفکر حذف تدریجی یارانه‌های غیرضرور تقویت گردید و علی‌رغم عدم موافقت بعضی محافل به‌صورت محدود به اجرا گذارده شد. در دولت هفتم و در ماده 3 قانون برنامه چهارم اجرای طرح قانون هدفمندی یارانه‌ها طی یک زمان‌بندی پنج‌ساله مصوب گردید، اما مجلس هفتم با تصویب قانون تثبیت قیمت‌ها اجرای آن را معطل گذارد تا اینکه دولت نهم پس از پیشنهاد و تصویب قانون هدفمندکردن یارانه‌ها از آذر 1389 آن را به‌اجرا درآورد. مقدمتاً اجرای قانون در دو بخش انرژی (شامل بنزین، گازوئیل، گاز، سایر مشتقات نفتی و برق) و نان شروع گردید. تردیدی نیست که قانون هدفمندی یارانه می‌تواند بستر ساز اصلاحات ساختاری در عرصه اقتصاد ملی و بخش کشاورزی باشد. متأسفانه به‌دلیل آنکه رویکرد مجریان دولت نسبت به قانون

مزبور، عمدتاً معطوف به آثار بازتوزیعی و همچنین کارکردهای بودجه‌ای شده، از اقدامات اصلاحی در عرصه‌های ساختار اقتصادی و خصوصاً در بخش کشاورزی، غفلت گردیده است. این امر موجب شده که دولت به انگیزه‌های تولیدکنندگان توجهی نداشته و با بهره‌گیری از ارزهای هنگفت حاصل از صادرات نفت، کماکان به واردات کالا بپردازد. آمار واردات چهار ماهه 1390 نیز گویای این وضعیت است که تداوم آن، شرایط نامناسب‌تری را برای امنیت غذایی جمهوری اسلامی ایران به وجود خواهد آورد. البته مسوولان ستاد هدفمندی یارانه‌ها، پس از گذشت 6 ماه اظهار داشتند که مصرف گندم کشور 30 درصد کاهش داشته و معاون وزیر بازرگانی نیز ضمن تأیید کاهش 30 درصد مصرف گندم خوراکی، مطالبی به شرح جدول 8، بیان داشت.

جدول 8: مصرف سالانه و سرانه گندم خوراکی طی سال‌های مختلف

گندم خوراکی	1384	1388	1389	1390 (پیش‌بینی)
مصرف سالانه (میلیون تن)	10	9/1	8/7	6/4
مصرف سرانه (کیلوگرم)	161	139	104	85

مطابق اظهار نظر وی، مصرف گندم کشور در سال 1390 نسبت به سال‌های 1384، 1388 و 1389 به ترتیب 36، 29/6 و 26/4 درصد کاهش نشان می‌دهد.

اگرچه ارزیابی در تأثیر این قانون بر مصرف و تولیدات کشاورزی مستلزم سپری شدن زمان بیشتری از اجرای قانون و انجام بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی مرتبط با آن می‌باشد؛ با این حال از این نکته مهم نباید غفلت شود که از آنجا که گندم و نان قسمت اعظم انرژی (قریب 40 درصد) و پروتئین (50 درصد) مورد نیاز کشور را تأمین می‌کند، کاهش سریع مصرف سرانه از نظر وقوع و یا افزایش سوءتغذیه خاص در بین اقشار آسیب‌پذیر که مصرف گندم بیشتری در جیره غذایی خود دارند، جای سؤال و نگرانی دارد. عدم ارائه الگوی جایگزین توأم با روند

افزایشی قیمت‌های جاری مواد غذایی لزوم توجه جدی و مستمر به این نکته مهم تا اطمینان به رفع نگرانی را خاطر نشان می‌سازد.

نتیجه بررسی مشترک انستیتو تغذیه دانشگاه علوم پزشکی در سال 80-1379 نشان داد که 23 درصد جمعیت کشور دچار سوءتغذیه می‌باشند و تحلیل آمار ارائه‌شده از سوی مرکز آمار ایران در سال 1387 نشان‌گر آن است که حداقل 3 تا 4 دهک جامعه مشکل تغذیه دارند. بنابراین رصد کردن مستمر نحوه تغذیه مردم آن هم در فضای هدفمندی یارانه‌ها ضرورتی انکارناپذیر است تا خدای ناخواسته در آینده با خسارت جبران‌ناپذیر جسمی و ذهنی مردم روبرو نشویم.

## کلام آخر

با توجه به مطالب ارائه‌شده در صفحات پیشین به نظر می‌رسد یادآوری نکات زیر مفید باشد:

- 1- تأمین امنیت ملی یکی از اهداف کلان نظام‌ها و حاکمیت‌های سیاسی محسوب می‌شود. مضافاً امنیت غذایی، یکی از مؤلفه‌های مهم و حساس امنیت ملی می‌باشد.
- 2- متأسفانه روند ضریب تأمین امنیت غذایی در سال‌های اخیر روبه کاهش نهاده است که امری نگران‌کننده می‌باشد.
- 3- ریشه اصلی روند مزبور را باید در فقدان جامع‌نگری سیاست‌گذاری‌ها در ایجاد انگیزه مناسب برای تولیدکنندگان و همچنین تعرفه‌های نادرست برای واردات اقلام کشاورزی جستجو نمود.
- 4- افزایش درآمدهای ارزی در طی سال‌های 90-1382 نیز موجب افزایش واردات برای جبران کاهش تولیدات داخلی محصولات کشاورزی شده است و این امر زمینه‌ساز غفلت‌های هرچه بیشتر در خصوص ضریب امنیت غذایی گردیده است.

5- بازتاب عناصر مذکور، در کاهش ضریب خودکفایی کالاهای اساسی و همچنین منفی شدن تراز تجاری کل در طی برنامه چهارم تبلور پیدا کرده است.

6- برای عبور از چالش‌های موجود در وضعیت امنیت غذایی جمهوری اسلامی ایران نیاز اساسی به تجدید نظر در وضع سیاست‌گذاری‌های قیمت‌گذاری و تجدید نظر در وضعیت سیاست‌های وارداتی و تعرفه‌ای وجود دارد. این رویکرد افزایش انگیزه برای تولید را دامن خواهد زد و نتیجه طبیعی آن افزایش تولیدات اقلام اساسی کشاورزی و افزایش ضریب امنیت غذایی خواهد بود.

7- تأیید فرضیه‌ای که در ابتدای مباحث مطرح گردید مترداف با آن است که فقدان سیاست‌گذاری‌های مناسب در ایجاد انگیزه برای تولیدکنندگان، زمینه‌های افزایش واردات و کاهش ضریب خودکفایی و امنیت غذایی را فراهم ساخته و مضافاً تداوم وضع موجود، چشم‌انداز آتی امنیت غذایی در جمهوری اسلامی ایران را نگران‌کننده می‌نماید.

## سیاسگذاری

جا دارد از وزارت جهاد کشاورزی و سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی به‌ویژه دفتر آموزش کارکنان مرکز آموزش جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی به‌دلیل حمایت در راستای تهیه و برگزاری دوره "کشاورزی و امنیت غذایی" تشکر و قدردانی نمایم. همچنین یادآور گردم که بیشتر مطالب این مجموعه برگرفته از پژوهش آقای دکتر حسین قریب می‌باشد که قبلاً به آدرس دقیق آن اشاره گردید. اینجانب صرفاً پیشگفتار و مقدمه را اضافه نموده و به ویرایش مطالب پرداختم. پاره‌ای از مطالب ارائه‌شده در این مجموعه، موافق با نظر اینجانب نمی‌باشد و نیازمند بررسی بیشتر است ولی انسجام و جدید بودن مطالب

نسبت به سایر مطالعات مرا بر آن داشت که در تدوین مطالب بدین گونه عمل نمایم. مطمئناً کلیه مطالب مربوط به امنیت غذایی در اینجا ارائه نگردیده و جرعه حاضر برای تکمیل نیازمند تلاش فراوان است. خروجی مورد انتظار اینجانب از برگزاری دوره حاضر، یافتن پاسخ به این پرسش می باشد که ما به عنوان بخشی از دولت جمهوری اسلامی ایران چگونه می توانیم به تأمین امنیت غذایی کشور کمک نماییم. پاسخ به این سؤال نیازمند دقت و توجه همگان در اجرای وظایف محوله بوده ولی مسلم آن است که افرادی که می دانند با افرادی که نمی دانند یکسان نخواهند بود؛ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.

والسلام

آیه نهم سوره مبارکه الزمر:  
أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا  
يَخْذِرُ الْأَخْرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ  
يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا  
يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ  
یا کسی که در ساعات شب به عبادت  
مشغول است و در حال سجده و قیام،  
از عذاب آخرت می ترسد و به رحمت  
پروردگارش امیدوار است؟! بگو: «آیا  
کسانی که می دانند با کسانی که  
نمی دانند یکسانند؟! تنها خردمندان  
متذکر می شوند!»